

تحول بنیادین با این تراوشات ذهنی محال است!

نبرده است.
اما نکته عجیب آن است که در بعضی از همین استنادات، برداشت‌های اشتباه یا تحریف‌هایی صورت گرفته است که نشان‌دهنده عدم دانایی و اشراف تدوین‌کنندگان این لایحه است. سؤال اینکه، به راستی، چگونه انتظار تحول را با این تراوشات ذهنی در بودجه ریزی داشته باشیم؟ در ادامه چند مورد از این کژتابی‌های ذهنی را که منجر به تحریف اسناد بالادستی شده به طور مختصر می‌پردازیم:

۱- در مبانی لایحه بودجه آموزش و پرورش، جهت اقدامات دولت در راستای سند تحول بنیادین، مواردی ذکر شده مانند: زمینه سازی اجرای ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، تداوم اجرای طرح برون سپاری مدارس و خرید خدمات آموزشی. که اساساً با ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه که در آن «به تامین بخشی از نیازهای خاص در رشته‌هایی که امکان توسعه ندارد، می‌توان از ظرفیت فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌ها استفاده کرد» تاکید میکند، مغایرت دارد. همچنین با ذکر طرح برون‌سپاری و خرید خدمات نیز به تحریف سند تحول و مبانی آن پرداخته به گونه ای که مشارکت اولیا در تربیت فرزندانشان به عنوان تکلیف و حق ایشان در سند ذکر شده نه به عنوان واگذاری تعلیم و تربیت دانش آموزان به بخش خصوصی که غالباً دنبال منافع اقتصادی خود هستند. همچنین این طرح‌ها در مغایرت صریحی با مواد ۲۵ و ۲۸ قانون ششم توسعه قرار دارد.

۲- باتوجه به اسناد بالادستی و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، فرایند جذب و تربیت معلم بایستی در بستر دانشگاه فرهنگیان و توسعه کمی و کیفی آن رقم بخورد، اما متأسفانه در این لایحه بودجه نیز توجه مطلوبی به این دانشگاه نشده به گونه ای که ردیف بودجه مربوط به توسعه عمرانی (زیر ساخت) دانشگاه، حذف شده، تکیه بودجه دانشگاه به کسر از حقوق دانشجومعلمان و سرانه ناچیز به دانشجویمان که در حدود سرانه دانش آموز متوسطه است.

۳- همچنین توجه به اولویت بخشی دوره ابتدایی و نگهداشت و جذب آموزگاران این دوره با فراهم ساختن امتیازات و تسهیلات نیز در خود مبانی لایحه بودجه امسال تاکید شده، منتها در تخصیص بودجه، کمترین سرانه دانش‌آموزان، مربوط به دوره ابتدایی است.

موارد بالا که مختصراً بیان شد، تنها گوشه ای از مغایرت لایحه بودجه آموزش و پرورش با اسناد بالادستی است؛ امیدواریم نمایندگان محترم کمیسیون آموزش و تلفیق با اصلاحات گسترده ای که باید برای این لایحه انجام گیرد، بتوانند نگاه منطقی و حاوی عدالت را به آموزش و پرورش باز گردانند.



آموزش و پرورش است. اگر مؤلفه‌های تعیین بودجه آموزش و پرورش مبتنی بر یک نگرش علمی یا مبتنی بر اسناد بالادستی مربوطه شکل گرفته باشند، میتوان به این بودجه نگاه مثبتی داشت.

آموزش و پرورش، بعد انقلاب اسلامی تغییرات زیادی را در خود دیده اما هیچ گاه به نقطه مطلوب خود نرسیده. شاید علت اصلی، دور شدن از اسناد بالادستی آن از جمله سند تحول بنیادین و قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری دانست. دور شدن از این اسناد فقط در اجرا نیست بلکه در قانون گذاری یا لایحه‌های تقدیمی دولت خصوصاً در بودجه آموزش و پرورش نیز مشاهده میشود.

در بودجه آموزش و پرورش امسال نیز، مانند سنوات گذشته، جز استنادات مبانی بودجه آموزش و پرورش به اسناد تحولی در این حوزه، بویی از سند تحول بنیادین و اسناد مرتبط به حوزه تعلیم و تربیت

علی‌خیراندیش | بودجه آموزش و پرورش یکی از مهمترین و پُرچالش‌ترین موضوعات اقتصاد آموزش و پرورش است که تأثیرات مثبت و منفی آن در آینده کشور بسیار چشمگیر و عموماً در یک افق بلندمدت قابل بررسی است. (در این میان سیاستگذاری اقتصادی در بخش آموزش و پرورش به دلیل نقش و اهمیت آن در جامعه پذیری کودکان و نوجوانان و تربیت نسل آینده کشور، از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار است.)

با دید ساختاری بر بودجه، چندین موضوع یا محور یک بار برای همیشه در این بودجه ریزی‌ها باید مرتفع شود که در این ویژه نامه به اختصار چند محور را بررسی میکنیم. در ادامه یکی از این محورها، یعنی مغایرت‌های قابل تأمل لایحه بودجه آموزش و پرورش با اسناد بالادستی، را بررسی خواهیم کرد: مهمترین مسئله‌ای که در بودجه آموزش و پرورش وجود دارد، مؤلفه‌ها و سازوکار برآورد و تعیین بودجه

اهمیت سرمایه گذاری در آموزش و پرورش

محمدامین پورقیومی | اگرچه کانون خانواده و دامن پر مهر مادر، مبدأ تعلیم و تربیت فرزندان و یکی از اثرگذارترین محیط‌های آموزشی به‌شمار می‌رود، اما به اعتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران این عرصه، نقش بی‌بدیل مدرسه و به‌طور کلی نظام آموزش و پرورش و تربیت عمومی در رشد و تعالی همه جانبه جوامع، موضوعی است که اهمیت آن نه تنها از نقش خانواده کمتر نیست، بلکه در بسیاری از موارد، اثربخشی این محیط‌ها (به‌ویژه محیط مدرسه و دانشگاه)، در شکل گرفتن ساختار فکری و ذهنی مخاطبین به مراتب بیش از محیط خانواده است.

از همین رو رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته)، هر مقدار هزینه کردن در این بخش را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و در جریان آخرین دیدار مسئولین و معلمان آموزش و پرورش با ایشان در تاریخ ۹۵/۲/۱۳ می‌فرمایند: «البنه اخلاص و قناعت جامعه معلمان نباید موجب غفلت مسئولان از مسائل مادی و معیشتی این جامعه سختکوش شود و همچنان که بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم، هر هزینه و بودجه‌ای که در آموزش و پرورش صرف می‌شود، در واقع سرمایه‌گذاری است.»

تربیت نیروی انسانی در کشور بیش از همه حاصل نگرشی بلند نظانه و آگاهانه به آموزش و پرورش است. این را نه تنها بزرگان و اندیشمندان آموزش و پرورش، بلکه اقتصاد دانانی که به مباحث توسعه می‌پردازند نیز، مورد توجه و اهمیت قرار داده‌اند. اگر نهادهای متولی توسعه همه‌جانبه در کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، شاید بتوان نهاد آموزش و پرورش را به عنوان پایه تحولات و تغییرات موفق، عاملی بسیار مهم و تعیین کننده تلقی کرد. گستردگی و حساسیت نظام رسمی آموزش در دراز مدت بر فرایند تحولات کشور تأثیر مستقیم دارد متأسفانه در سالهای اخیر علی‌رغم توصیه‌های مکرر رهبری عظیم‌الشان و نظرات کارشناسان متخصص در حوزه تعلیم و تربیت، مبنی به نگاه ویژه سرمایه‌گذاری به دستگاه انسان‌ساز آموزش و پرورش، نه تنها بودجه کافی و واقعی به این دستگاه خطری اختصاص نیافته است؛ بلکه متأسفانه برای صرفه‌جویی در هزینه‌های بزرگترین وزارتخانه کشور، اقدام به خرید و فروش آموزش شده است...

خرید خدمات آموزشی که در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از سهم بودجه نظام تعلیم و تربیت کشور را به خود اختصاص داده است، اقدامی بسیار خطرناک و مهلک در راستای کاهش هزینه‌های آموزش و پرورش است اما در حقیقت نابودسازی سرمایه‌های این کشور، یعنی دانش‌آموزان و به وجود آمدن تبعیض و عدم رعایت عدالت آموزشی است.

افزایش بودجه استفاده از معلمان خرید خدمت آموزشی، بسته‌های حمایتی، حق‌التدریس و ... اقدامی است در ظاهر برای کاهش هزینه‌های مهمترین وزارت خانه کشور به هر قیمتی؛ تاخیر در پرداختی‌های این نوع معلمان و اعتراضات و اعتصابات و تهدید به تعطیلی کلاسهای درس و در نتیجه بازماندگی از تحصیل برای دانش‌آموزان به وجود آمدن توقعاتی نظیر استخدام بدون قید و شرط و بدون آزمون ورودی و عدم گذراندن دوره آموزشی در دانشگاه فرهنگیان...

عدم تخصیص بودجه کافی به دانشگاه استراتژیک و معلم‌ساز فرهنگیان، از دیگر مصادیق اشکالات اساسی بودجه در چند سال اخیر به خصوص لایحه سال ۱۴۰۰ می‌باشد.

تأمین بودجه دانشگاه فرهنگیان از طریق درآمدهای خصوصی یا بهتر بگویم، برداشت ۴۵ درصد از حقوق دانشجو معلمان به صورت ماهیانه جهت تأمین هزینه‌های دانشگاه فرهنگیان، آن هم در شرایطی که ولی امر مان فرمودند «دانشگاه فرهنگیان را مسئولین جدی بگیرند، این دانشگاه با دیگر دانشگاه‌ها فرق دارد، امتیاز تولید معلم مختص این دانشگاه است»، نتیجه‌ای جز انگیزه‌کشی معلمان جوان این مرز و بوم ندارد.

بودجه امسال از راه رسید و اما چه رسیدنی!!!

مطهره زارع جمال آبادی |

یک مسئله‌ای که از قدیم‌الایام در دانشگاه فرهنگیان وجود داشته است، عدم جذب دانشجو معلمان متناسب با خروجی و بازنشتگان آموزش و پرورش کشور است و همین باعث ایجاد بحران شدید کمبود معلم شده است و مسئولین علت آن را نبود زیرساخت‌های عمرانی دانشگاه فرهنگیان عنوان میکنند.

به سراغ یکی از مسئولین موسوم به آقای فریدونی که خوشبختانه جز هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان هم هستند، می‌رویم و علت این برنامه و کمبود بودجه برای گسترش عمرانی دانشگاه فرهنگیان و عدم تناسب ورودی و خروجی را از ایشان جویا می‌شویم.

سلام آقای فریدونی، چرا جذب دانشگاه فرهنگیان متناسب با نیاز جامعه و بازنشتگان آموزش و پرورش نیست؟

سلام آقای خبرنگار، شما که خود دانشجو معلم هستید، چرا این سوال را می‌پرسید؟ مگر نمی‌بینید که در دانشگاه فرهنگیان زیرساخت کافی برای جذب بیشتر این نیرو وجود ندارد؟ نیروها را جذب کنیم و برای تحصیل به کجا بفرستیم؟ ما از ظرفیت فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌ها استفاده می‌کنیم که کاملاً اقتصادی است.

آقای فریدونی تا چه زمانی باید این مشکل زیرساخت‌های دانشگاه فرهنگیان ادامه پیدا کند؟ راه حلی برای این مسئله وجود دارد. به ویژه الان که فصل نوبه‌ری بودجه است انتظار معقولی است که ردیف این قسمت افزایش پیدا کند.

جانم! خودتان که جواب خودتان را دادید. انتظار معقولی است اما ما که بر اساس انتظارات معقول پیش نمی‌رویم! شما انتظارات غیرواقع‌بینانه و غیرکارشناسی دارید؛ در حالی که همین مقدار هم که خرج دانشگاه فرهنگیان می‌شود، از سر دانشجو معلمان زیاد است. اگر زیر ساخت‌های دانشگاه فرهنگیان گسترش پیدا کند، آن وقت وزیر علوم

چگونه فارغ التحصیلان بیکار را وارد آموزش و پرورش کند؟! (خنده) فکر این جایش را نکرده بودید!!

شما پارسال حداقل ۵۰ میلیارد تومان برای توسعه زیرساخت‌های دانشگاه فرهنگیان اختصاص داده بودید، اما امسال این بودجه را هم حذف کردید. چرا؟!

آقای دانشجو معلم، پارسال که این کار را کردیم، اشتباه کردیم. هم‌اکنون هم به اشتباه خود واقف هستیم. انسانهای عاقل که از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شوند! پارسال این هزینه که اختصاص داده شد، بعضی از پردیس‌ها گسترده تر شدند و توانستند نیروی بیشتری جذب کنند و جمعیت گونه‌ی دانشجو معلم افزایش پیدا کرد اما مادر جذب نیروی خرید خدماتی ضرر کردیم! و چه خسروانی از این بالاتر...

آقای فریدونی همانگونه که اشاره کردید، رابطه بین گسترش زیرساخت‌های عمرانی و افزایش جذب نیرو مستقیم است، ولی متأسفانه نگاه اقتصادی به آموزش و پرورش سبب آسیب رساندن به مراکز تعلیم و تربیت و به تبع آن آموزش کودکان این سرزمین می‌شود.

جانم! شما که بچه حزبالله‌ی هستید دیگر چرا؟! این همه حضرت آقا بر روی اقتصاد مقاومتی و ... تأکید کردند، حالا به نظر شما ما باید به سخنان حضرت آقا پشت کنیم و به جای جذب معلم از راه‌های اقتصادی و غیراصولی، معلمان را از دانشگاه پرخرج و اصولی فرهنگیان جذب کنیم؟! به نظر ما دانشگاه فرهنگیان دانشگاهی اضافی و بودجه‌خواری است که با ترفندهای مختلفی همچون کاهش بودجه و افزایش درآمد برای آن، باید با مدد الهی پیش به سوی حذفش قدم برداریم.

عجب... حالا که بحث سخنان حضرت آقا شد و شما نسبت به اجرای سخنان ایشان علاقه و توجه نشان دادید، باید بگویم ایشان بارها و بارها درباره اهمیت دانشگاه‌های تربیت معلم صحبت کرده‌اند؛ نمونه نزدیکش همین شه‌ریور ماه امسال بود که خطاب به مسئولین گفتند: «... دو دانشگاه تربیت معلم - یعنی دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی - مرکز ثقل تعلیم و تربیت هستند...»

گویا من و شما امروز به توافق نمی‌رسیم. با مدیر دفترم جلسهای دیگر هماهنگ کنید تا باهم صحبت کنیم.

...

کسر از حقوق!

فائزه کیهانی | بارها مطالبات دانشجو معلمان در زمینه شفافیت کسر از حقوقشان را دیده و شنیده ایم. بررسی و پیگیری این موضوع ما را تا لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کشاند. در ابتدا باید بدانیم که به هر سازمان بودجه و درآمد تعلق می‌گیرد؛ به این معنا که مبلغی به سازمان پرداخت می‌شود (بودجه) و مبلغی از سازمان دریافت می‌شود (درآمد). با بررسی و مقایسه بودجه و درآمد دانشگاه‌های تربیت معلم با سایر دانشگاه‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که بودجه تعلق گرفته به دانشگاه‌های تربیت معلم، ناچیز است. به این صورت که سرانه یک دانشجو معلم از سرانه یک دانشجوی سایر دانشگاه‌ها یا یک دانش آموز ابتدایی، کمتر است که این خود جای تعجب دارد.

در بررسی رشد بودجه دانشگاه‌های تربیت معلم به نکته‌ی قابل توجهی می‌رسیم. رشد بودجه دانشگاه فرهنگیان ۴۰ درصد و رشد بودجه دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی ۴۶ درصد بوده است. این موضوع عادی به نظر می‌رسد اما هنگامی که جمعیت دو دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی را با هم مقایسه کنیم، مشاهده می‌کنیم که جمعیت دانشگاه فرهنگیان کشور ۱۴ برابر جمعیت دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی است. سوالی که مطرح می‌شود این است چرا بودجه تعلق گرفته به دانشگاه با جمعیت بیشتر، رشد کمتری نسبت به دانشگاه با جمعیت کمتر داشته است؟!

آمار و ارقام سرسام آور بعدی، مربوط به مقایسه درآمد دانشگاه فرهنگیان با درآمد دانشگاه شهید رجایی است. در این مقایسه به عدد ۷۹۰ می‌رسیم. چطور؟! به این صورت که درآمد دانشگاه فرهنگیان، ۷۹۰ برابر دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی است. به لحاظ منطقی درآمد دانشگاه فرهنگیان باید ۱۴ برابر دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی باشد؛ زیرا جمعیت آن ۱۴ برابر جمعیت دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی است. اما رقم ۷۹۰ خیلی بیشتر از حد معمول است.

همه این موضوعات یعنی نداشتن سرانه سالانه برای هر دانشجو معلم، بودجه اندک تعلق گرفته به دانشگاه و درآمد زیادی که باید به خزانه پرداخت شود، موجب آن می‌شود که ما شاهد کسری ۲۵ و ۴۵ درصدی از حقوق دانشجو معلمان باشیم.

شایسته است اهمیت لازم به بحث تعلیم و تربیت معلمان این سرزمین داده شود.

دانشجو نباید سیب زمینی باشد!

مقطع حساس! لزوم توجه به دوره ابتدایی

بودجه را تکرار نکنیم!

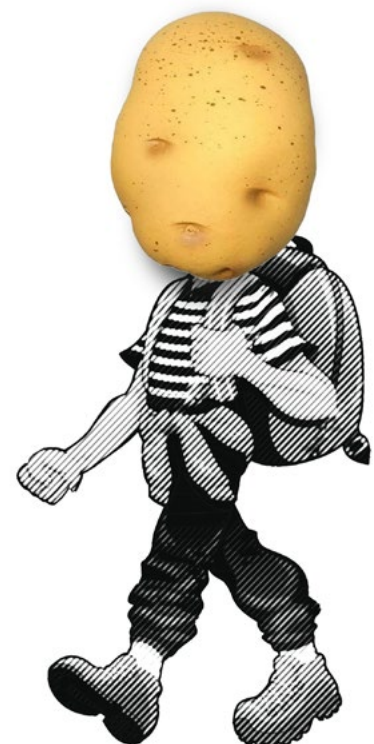
فاطمه حاج حسنی | قشر معلمین در جامعه امروز ما، نه تنها صرفاً در درجه اولی جامعه قرار نمی‌گیرند، بلکه محور اصلی و در کانون تحول هستند. فی‌الحال در روزگاری به سر می‌بریم که به خوبی شاهد ترجیح و برتری علم بر ثروت هستیم و این معلمین هستند که بانی انتقال علم به متعلمین می‌باشند. کافی است شما هم یک دانش‌آموز در خانواده یا اطراف خود داشته باشید، دیگر نیازی به توضیح نمی‌ماند؛ بلکه رنگ رخسار آن دانش‌آموز و خانواده گویای نقش غیر قابل جایگزین معلم هست. متأسفانه علیرغم تأکید فراوان مراجع ذی صلاح بر اهمیت جذب معلم، هستند صاحب منصبانی که کمترین اهتمامها را بدین مسئله نمی‌ورزند.

امروزه باید تمام پلاکاردها و پوسترها را از در و دیوار شهرها ربود و با خطی درشت بحران کمبود معلم را حک کرد.

حال که جاهای خالی کثیری را اعم از عدم وجود ردیف بودجه ای برای جذب معلم از راه دانشگاه فرهنگیان و جذب از راه ماده ۲۸ در بودجه آموزش و پرورش و از طرفی شانه خالی کردن مسئولین را شاهدیم، من و تو دانشجو معلم، ضمن توجه به جایگاه امروز و کسوت خود به عنوان یک افسر تعلیم و تربیت، نباید صندلی خود را با بی‌توجهی خویشتن خالی گذاشته، تا دیگر کسانی بر آن سوار گردند و حکمرانی کنند.

کاش بدانیم، فارغ از اعداد و ارقام در حال افزایش حقوق و کسورات دانشجو معلمان، ارقام قابل توجه دیگری نیز هستند؛ چون کمبود شدید معلم در سال ۱۴۰۳ و افزایش میزان بازنشستگان، که بیش از مذکورات نخست نیازمند توجهاند.

معلم شاه کلید توجه در جامعه است و می‌تواند با نیروی علم خود، یک تنه بر تمام درهای بسته بتازد؛ اگرگوشی شنوا بر دردها و چراغی راهنما بر شفافسازی ابهاماتش باشد.



سید محمد آشیان |
۱. از آنجا که ماده ۶۳ بند الف بند ۱ مواد قانونی برنامه توسعه ششم، دولت را مکلف به اجرای سند تحول بنیادین می‌کند، اما دولت عملاً به دنبال خصوصی سازی آموزش و پرورش و دور زدن سند تحول است؛ زیرا چند ردیف بودجه برای توسعه مدارس غیر دولتی اختصاص داده شده که میزان رشد و همچنین مقدار آن بسیار بیشتر از بودجه سازمان نوسازی و توسعه مدارس است. در کنار این موضوع، مقرر شده بود که در مقطع ابتدایی تا حداکثر ۱۰ درصد دانش آموزان ابتدایی در مدارس غیر دولتی تحصیل کنند که هم اکنون این میزان به ۱۵ درصد رسیده است؛ یعنی در مدارس غیر دولتی ۵۰ درصد بیش از آنکه درس بدهند، تحصیل می‌کنند.

۲. بودجه ای برای کیفیت بخشی به فعالیت آموزشی در نظر گرفته شده است؛ بدون آنکه ریز مخارج آن مشخص شود که برای بودجه ای به این سنگینی، آن هم برای بهبود دادن کیفی، ایجاد ابهام می‌کند. تحت عنوان این بودجه، بودجه برنامه آموزش ابتدایی قرار دارد که میزان آن ۵ الی ۱۰ برابر میزان بودجه سایر مقطع های تحصیلی است. ابهام هم که الی ماشاءالله!

۳. طبق جداول فصل سی و نهم بودجه، در ظاهر رشد تعداد دانش آموزان ابتدایی مدارس دولتی و رشد تعداد کلاس های دایر دولتی در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸، هر دو از تعداد دانش آموز و کلاس مدارس غیر دولتی بیشتر است، اما با تحلیل آماری می توان دریافت که ۸۰ هزار نفر دانش آموز ابتدایی دولتی، در مقابل ۱۱۰ هزار دانش آموز ابتدایی غیر دولتی، اضافه شده اند. همچنین هزار کلاس ابتدایی دولتی در مقابل ۱۰ هزار کلاس ابتدایی غیر دولتی در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ دایر شده است؛ به عبارتی آمار های این بودجه سعی در لا پوشانی خصوصی سازی طی سال های گذشته دارد!

در همین جداول تراکم کلاس های ابتدایی زیاد تر از حد مجاز و حتی بیشتر از تراکم کلاس های متوسطه اول در نظر گرفته شده است، در حالی که با توجه به حساسیت و اهمیت مقطع ابتدایی، باید تراکم کلاس ابتدایی پایین باشد.

۴. مقدار بودجه طرح جامع حمایت و پوشش تحصیلی برای آموزش ابتدایی در مقایسه با بودجه این طرح برای متوسطه ها، به شدت کم بوده و در حد یک دوم آن است. از طرفی دیگر، بودجه خرید خدمات آموزشی برای مقطع ابتدایی، دو یا سه برابر مقطع های دیگر است. طرح جامع پوشش تحصیلی که یکی از وظایفش، جلوگیری از ترک تحصیل دانش آموزان به خاطر کمبود امکانات است... در عوض این بودجه سعی در واگذاری این وظیفه به خرید خدمات دارد. طرح خرید خدمات آموزشی حتی در کشور های سرمایه داری، به صورت محدود اجرا می شود؛ زیرا آموزش را به صنعتی سوداگرانه تبدیل می کند و همراه با آن، به دانش آموز و معلم به صورت همزمان، ظلم می شود؛ اما در کشور ما به صورت جدی دنبال می شود.

۵. نکته مهم و جالب توجه این است که این بودجه خود درگیری نیز دارد؛ در بخش موضوعات خاص ماده ۲ قانون برنامه ششم توسعه آمده است:

«فراهم آوردن تسهیلات و امتیازات مناسب برای جذب و نگهداشت نیروی کارآمد در دوره ابتدایی و تقویت نگاه تخصصی و زیر بنایی به این دوره»

این در حالی است که در ادامه موارد موضوعات خاص، موضوع «تداوم اجرای طرح های برون سپاری و خرید خدماتی» نیز اضافه شده است.

تو خود بخوان این حدیث مجمل را !!!!

علی صادقی اردکانی | با بررسی بودجه آموزش و پرورش ۱۴۰۰ و مقایسه آن با بودجه های ۴ سال قبل، ساختار قدیمی، تکراری و غیرشفاف آن به خوبی نشان میدهد که مسئولان مربوطه برای نوشتن بودجه وقت صرف نکرده‌اند. همچنان ساختار بودجه آموزش و پرورش قدیمی است و از سالهای قبل الهام میگیرد، به نحوی که کپی شدن جداول، راهبردها و ... بدون هیچ تغییری، نشانگر عدم توجه و اعتقاد دولت به مسئله مهم آموزش و پرورش است.

تعارض بودجه با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ متأسفانه برخلاف تأکیدات مقام معظم رهبری به اهمیت و ضرورت اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شواهد در لایحه بودجه ۱۴۰۰ بخش آموزش و پرورش نشان می دهد که نه تنها در بودجه سال آینده خبری از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیست، بلکه بهطور بی‌شرمانه بر اجرای سند ۲۰۳۰ و برخی مباحث محور سند ۲۰۳۰ تأکید میکند؛ که این نشان میدهد که دولت نه از خطرات آن برای آینده آگاه است، نه برای آینده نظام تعلیم و تربیت کشور ارزشی قائل است.

در بودجه ۱۴۰۰ درباره اجرای سند تحول بنیادین حرف‌هایی زده شده اما مغایر با اهداف این سند بوده و به نظر میرسد که تحریف سند تحول به شدت مسیر خود را طی میکند که نشان می‌دهد مسئولان به درک درستی از سند تحول نرسیده‌اند.

ضرورت دارد مجلس شورای اسلامی در بررسی لایحه، ضمن توجه به نکاتی که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود، بر اجرای سند تحول بنیادین تأکید نماید.

برخی ایرادات بودجه آموزش و پرورش ۱۴۰۰ عبارتند از: عدم توجه به تأمین، تربیت و ارتقای نیروی انسانی موردنیاز آموزش و پرورش، عدم تخصیص بودجه مناسب در جهت توسعه زیر ساختها، تکیه بیش از حد بودجه بر درآمد اختصاصی یا همان کسر از حقوق، حاکم بودن تفکر لیبرالیستی در بودجه آموزش و پرورش با جاری شدن رویکرد خصوصی سازی، عدم توجه به آموزش و پرورش ابتدایی و عدم توجه بودجه به کنترل مبادی بی‌سوادی.

صراط و صیر

کار مشترک نشریات صراط و صیر
دانشگاه فرهنگیان استان

شماره مجوز: ۵۲۲۰۱/۵۲۲/۱۳۰۰/۱/۱
تاریخ مجوز: ۹۸/۰۸/۱۴

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پردیس شهیدان پاک‌نژادیزد
مدیر مسئول: محمدحسین رامش‌جان
سردبیر: علی رضائی
ویراستار: فاطمه جواهری مقدم

باتشکر از سرپرست پردیس های استانی و
نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

@serat.cfu
serat.cfu@gmail.com